

سیره معنوی و عبادی رسول اعظم صلی الله علیه وآله وسلم

علی محمدی آشنانی

مقدمه

اندیشمندان یکی از گرایش‌های عالی انسانی را نیرو و جاذبه عشق و پرستش معرفی نموده‌اند. بر اساس پژوهشها، آدمی از نظر فطرت، موجودی پرستش کننده و نیایشگر آفریده شده است و بسیاری از استعدادها و توانایی‌هایش، تنها در سایه عبادت و پرستش، رشد و شکوفایی می‌یابد. از این رو در همه ملل و اقوام و حتی در میان انسان‌های بدوی نیز مراسم عبادت و نیایش وجود داشته است.

نکته قابل توجه و در خور دقت آن است که همواره بشر در مورد پرستش، با دو پرسش اساسی مواجه بوده است: ۱. معبود حقیقی کیست و به تعبیر دیگر چه موجودی شایسته پرستش است؟ ۲. عبادت صحیح چگونه و با چه شکلی صورت می‌پذیرد؟

شالوده ادیان آسمانی، پاسخ صحیح به این دو پرسش بوده است؛ زیرا پاسخ نادرست به این دو پرسش اساسی، عامل شکل‌گیری جاهلیت کهن و مدرن در سراسر جهان است و رسالت جهانی پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم مبارزه با کژاندیشی و کجروی در این عرصه بوده است.

اکنون سؤال مهم این است که آیا به راستی بشر امروز از لغزشهای این عرصه رسته و در پرتو پیشرفت علم و دانش و تکنولوژی، ره به مقصد برده است؟

برای قضاوت بهتر باید گذشته را مورد تأمل قرار دهیم و آن را با وضع موجود مقایسه کنیم. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مردم آن روز دارای مذبه‌های گوناگون و بدعت‌های مختلف و طوائف متفرق بودند. گروهی خداوند را به خلقتش تشبیه می‌کردند و برخی در اسم او الحاد می‌ورزیدند و جمعی به غیر او اشاره می‌کردند.» (۱) در عصر جاهلیت، اگر چه روشنفکران عرب به پرستش ماه و ستارگان و برخی به عبادت جن، شیطان و فرشتگان روی آورده بودند، زرتشتیان به دو گانه پرستی و مسیحیان به تثلیث گرفتار شده بودند. ولی اکثر ساکنان عربستان بت پرست بودند. آنان هر چند اعتراف داشتند که آسمان و زمین، آفتاب و ماه و موجودات دیگر را خداوند بزرگ آفریده است: «وَكَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ» (۲) ولی در عبادت و پرستش دچار انحراف بوده و برای قرب به خداوند بزرگ، به بت پرستی می‌پرداختند و به صراحت می‌گفتند: «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» (۳) آنان دارای بت‌های عمومی بودند که در کنار کعبه چیده شده بود؛

بت‌های قبیله‌ای که مورد احترام یک طائفه بود و بت‌های خانگی که هر شب و روز میان خانواده پرستش می‌شد. به هنگام مسافرت نیز در هر منزلی فرود می‌آمدند، سنگهایی را نصب کرده و می‌پرستیدند. «لات» که مادر خدایان به شمار می‌رفت، معبدش نزدیک طائف قرار داشت و سنگ سفیدی بود که به صورت عام پرستش می‌شد. «منات» نیز خدای سرنوشت و پروردگار مرگ و اجل بود که معبدش بین مکه و مدینه بود. (۴)

آنان در آیین مذهبی و نحوه و چگونگی پرستش نیز دچار کجروی شده بودند. برای فرود آمدن باران چوبهایی را به دم گاو بسته و آنها را آتش می‌زدند تا گاو بر اثر سوختگی و اضطراب شبیه رعد و برق آسمان شود! آنها این عمل را در نزول باران مؤثر می‌دانستند!! اگر مرد بزرگی فوت می‌کرد، شتری را در کنار قبر او در میان گودالی حبس می‌کردند و آب و علف به او نمی‌دادند تا جان سپرد و متوفی روز رستاخیز بر آن سوار شود و پیاده محشور نگردد! به هنگام ورود به روستاها، برای رفع ترس از دیو یا بیماری وبا، ده بار صدای الاغ سر می‌دادند. (۵)

افزون بر آنها قربانی نمودن گوسفندان برای بت‌ها، طواف به صورت برهنه، زدن سوت و کف در کنار کعبه به عنوان نماز:

«وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً» (۶) و...

اشکال انحرافی عبادت در عصر جاهلیت بود.

با کمال تأسف در دوران معاصر و جاهلیت مدرن نیز افزون بر پرستش الهه‌های زنده انسانی، حیوان پرستی، شیطان پرستی، بت پرستی (در جهان و به ویژه در کشور پهناور هندوستان همچنان رواج دارد)، نژادپرستی، ثروت و علم پرستی، پرستش شهوت، شهرت و تکنولوژی و... آشکارا به چشم می‌خورد. همچنین هم اکنون در شکل و نحوه پرستش و آیین‌های مذهبی، انحرافات شگفت‌انگیزی رایج شده است.

اکنون بشریت در عصر توسعه ارتباطات و پیشرفت تکنولوژی‌های پیچیده صنعتی، درد دوری از خدا و فقدان ارتباط بندگی و بحران معنویت را بیش از هر زمان دیگر احساس و تجربه نموده، از مکاتب مادی و شعارهای به ظاهر انسانی، سرخورده شده و با عطشی وصف‌ناپذیر در جستجوی دین ناب الهی است و درمان دردهای خویش را از آن انتظار دارد. بدون تردید، تنها دینی می‌تواند کویر جان و روح تشنه بشریت و جهانیان را سیراب سازد که ملاک و الگوی خویش را وحی و سیره حسنه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم قرار دهد؛ زیرا خداوند، آن حضرت را الگو معرفی نموده است. (۷) امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «من نمی‌پسندم فردی از دنیا برود در حالی که سنتی از سنتهای پیامبر باقی مانده باشد که او، آن سنت را انجام نداده باشد». (۸)

با کمال تأسف، اگر چه از دیرباز در بین مسلمانان توجه به قرآن و سیره معمول بوده است، ولی برگزیدن سیره به عنوان روش بندگی و شیوه انجام وظیفه و زندگی، با بهانه‌هایی مواجه بوده است. استاد مطهری در این باره

چنین می‌گوید: «ما ظلمی نظیر ظلمی که در مورد قرآن کریم کرده‌ایم، در مورد سیره پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام کرده‌ایم. وقتی می‌گویند پیامبر چنین بود، می‌گوییم او که پیامبر بود! وقتی می‌گویند امام علی علیه السلام چنین بود، می‌گوییم او که علی بود! تو ما را با علی قیاس می‌کنی؟ با پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم قیاس می‌کنی؟ آنها که ز آب و خاک دگر و شهر و دیار دگرند»

شهید مطهری آن‌گاه با بیان این نکته که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه علیهم السلام نیز انسان هستند، می‌فرماید: «ولهذا می‌توانند مقتدا باشند. اگر این جور (بشر) نبودند، امام و پیشوا نبودند. (۹) اگر چه نباید فراموش نمود که آنها از نظر کمال معنوی از فرشتگان نیز بالاتر و والاتر هستند».

در میان مسائل دینی، امور عبادی و معنوی، از جایگاه خاصی برخوردار بوده و تبعیت از سیره حضرت رسول در این عرصه ضروری‌تر است؛ از این رو آن حضرت خود فرموده‌اند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أَصَلِّي»؛ «آن‌گونه که من نماز می‌گزارم، شما نماز بگزارید». (۱۰)

«وَخُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ»؛ «مناسک عبادی خویش را از من فرا گیرید». (۱۱)

بدین‌سان بر عالمان ربانی که پرچم هدایت مردم را به دوش گرفته‌اند، تبعیت از سیره حضرتش ضرورتی صد چندان دارد؛ زیرا از یک سو کسب معرفت یقینی و تربیت نفس جز با انجام عبادت و احیای یاد خدا در قلب میسر نیست (۱۲) و از سوی دیگر، انجام صحیح وظایف اجتماعی در صورتی میسر است که انسان وظیفه بندگی خود را به طور شایسته انجام دهد. (۱۳) به دیگر سخن، برقراری ارتباط شایسته انسانی با خود و مردم، منوط به تنظیم رابطه مناسب با خداست.

بدین‌رو امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ».

«هر کس خویش را پیشوای مردمان قرار می‌دهد، باید سازندگی را قبل از دیگران، از خود آغاز کند و پیش از آن‌که از راه زبان به تربیت دیگران بپردازد، باید سیره و برخوردش آنان را ادب نماید. آری آن‌که به تعلیم و تأدیب خویش می‌پردازد، از معلم و ادب‌کننده دیگران، به احترام و بزرگداشت سزاوارتر است». (۱۴)

اینک به ۱۴ مورد از امور کلی سیره عبادی و معنوی رسول اعظم صلی الله علیه وآله وسلم اشاره می‌شود.

۱. بنده‌وار زیستن

پیامبران به ویژه رسول اعظم صلی الله علیه وآله وسلم با جلالت قدر، بنده‌وار می‌زیستند و بندگی در همه احوال و افعال و گفتار آنها مشهود بود. (۱۵) در یکی از روزها زن بدزبانی از کنار رسول خدا عبور کرد. رسول خدا در حال خوردن بودند و در پایین مجلس نشسته بودند. آن زن گفت: ای محمد! مانند بندگان غذا می‌خوری و چون آنان می‌نشینی! حضرت فرمود: آری، من بنده‌ام و چه کسی از من بنده‌تر است؟ (۱۶)

از این رو در راه انجام وظیفه بندگی خداوند، حتی حیوانات را فراموش نمی‌کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«هنگامی که پیامبر مشغول وضو گرفتن بود، ناگهان گربه به خانه او پناه برد! پیامبر فهمیدند که گربه تشنه است، ظرف آب را به سوی گربه آوردند تا گربه از آن بنوشد. پس از آن، پیامبر از باقی مانده آب، وضو گرفتند». (۱۷)

آن حضرت برای خود شأن و منزلت و حقوقی بیش از یک انسان معمولی قائل نبودند. نه تنها آن حضرت بلکه همه پیامبران الهی، همواره و به شیوه‌های مختلف، مردم را فقط به سوی خداوند دعوت می‌نمودند و ردای جلال و عظمت را، تنها لایق خداوند می‌دانستند. قرآن کریم یک قاعده کلی در این زمینه بیان می‌کند: «ما كان لبشر أن يُوتيه الله الكتاب والحكم والنبوة ثم يقول للناس كونوا عباداً لي من دون الله؛ «هرگز انسانی که خداوند به او کتاب، حکمت و نبوت عنایت فرموده، حق ندارد به مردم بگوید بنده من باشید». (۱۸)

۲. خلوت با خویش و گفت‌گو با خدا

انسان برای اصلاح و تهذیب، به دوری گزیدن از غوغای اجتماع و خلوت کردن با خویش نیاز دارد. در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمده است: «كان النبي صلي الله عليه وآله وسلم يُحِبُّ الْخَلْوَةَ بِنَفْسِهِ؛ «همواره خلوت با خویشتن را دوست می‌داشت». (۱۹)

«وَكَانَ كَثِيراً مَا يَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ؛ «زیاد به آسمان می‌نگریست».

۳. حمد و ستایش الهی

حمد و ستایش الهی و شکر و سپاس در برابر نعمت‌های بیکرانیش، از وظایف انسان و نشانه کمال عقل و معرفت اوست. در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌خوانیم: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يُحَمِّدُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِمِائًا وَسِتِّينَ مَرَّةً». «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در هر روز ۳۶۰ مرتبه خداوند را حمد می‌کرد». (۲۰) آن حضرت به سجده در محضر پروردگار توجه ویژه داشت. (۲۱) حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند: «شخصی نزد پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمد و عرض کرد: گناهانم زیاد و عملم ضعیف است. حضرت فرمود: زیاد سجده کن که سجده گناه را می‌ریزد همچنان که باد، برگ درختان را می‌ریزد». (۲۲)

۴. استغفار

هر چقدر معرفت انسان به عظمت و بلندای مقام الوهیت، بیشتر باشد، خویش را در مقام بندگی با تقصیر و کوتاهی بیشتر می‌نگرد. به همین جهت در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌خوانیم: «كان رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم يُتُوبُ إِلَى اللَّهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ». «در هر روز هفتاد مرتبه استغفار

می‌کرد بدون آن‌که گناهی مرتکب شده باشد» (۲۳) در برخی روایات آمده است که آن حضرت هر روز و شب صد مرتبه استغفار می‌کرد. (۲۴) پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نمی‌نشست و بر نمی‌خاست، نمی‌آمد و نمی‌رفت مگر آن‌که می‌فرمود: «منزه است خداوند و ستایش او راست. از او طلب بخشش می‌کنم و به سوی او توبه می‌کنم» (۲۵) به علاوه پیامبر از هیچ جلسه‌ای بلند نمی‌شد، مگر آن‌که ۲۵ مرتبه استغفار می‌کرد هر چند که آن جلسه کوتاه بود. (۲۶)

۵. ذکر و دعا

در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم توجه و یاد خداوند و دعا نمودن در همه حالات، برجستگی خاصی دارد. آن حضرت به هنگام خوابیدن، (۲۷) دیدن طلوع آفتاب، سفر (۲۸)، سوار شدن بر مرکب (۲۹)، ورود به شهر مقصد، (۳۰) نگاه به آئینه، (۳۱) غذا خوردن، (۳۲) لباس پوشیدن و در یک کلمه، در همه شئون و حالات، به یاد خدا بوده و به خواندن دعای مناسب و مخصوص آن حالت می‌پرداخت. آن حضرت در هر جا وارد می‌شد، چنان فضای مجلس را با معنویت نام و یاد خداوند عطرآگین می‌نمود که همگان با مشام جان خویش، آن را استشمام می‌نمودند. از پیامبر در مورد اسم اعظم خدا پرسیده شد فرمودند: «همه اسم‌های خدا اعظم است پس تو قلبت را از هر چه غیر خدا است خالی کن و او را به هر اسمی که می‌خواهی بخوان پس در حقیقت برای خدا اسمی غیر اسم دیگر یعنی اسم‌های متفاوت نیست بلکه او با همه اسمائش یگانه خدای غلبه کننده است» (۳۳)

البته دعا نمودن آدابی دارد که باید به آنها توجه نمود: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به هنگام دعا دستهایش را بلند می‌کرد و چون کسی که غذا می‌خواهد، دعا می‌کرد (۳۴) و قبل از دعا می‌فرمود: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى الْوَهَّابِ» (۳۵)؛ «پاک و منزه است خدای بلند مرتبه و بخشنده‌ام».

مردی وارد مسجد شد و دو رکعت نماز خواند و از خدا حاجتی درخواست نمود. حضرت فرمود! این بنده عجله کرد. آن‌گاه مرد دیگری آمد و دو رکعت نماز خواند سپس حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیامبر و آل او صلوات فرستاد. حضرت فرمود: هر چه می‌خواهی بخواه که به تو عطا خواهد شد. (۳۶)

۶. قرائت قرآن

قرائت قرآن دل را صفا می‌بخشد و کدورت‌ها و تیرگی‌های مادی را از قلب آدمی می‌زداید. قرائت قرآن، دل و گوش سپردن به کلام الهی است. در سیره پیامبر آمده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقْعُدُ فِي الْحِجْرِ وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ». «پیامبر در حجر اسماعیل می‌نشست و به تلاوت قرآن می‌پرداخت» (۳۷)

۷. یاد قیامت و مرگ

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با ایمان و باور کامل، به یاد مرگ و قیامت و در حالت انتظار برپایی آن بود و در وقت وزیدن بادهای زرد و یا سرخ و سیاه، رنگش تغییر می‌کرد و زرد می‌شد تا آن‌گاه که قطره بارانی از آسمان می‌چکید، رنگش به حال عادی برمی‌گشت و می‌فرمود: رحمت به سوی شما آمد. (۳۸) آن حضرت همواره از شرفتنه قبر به خدا پناه می‌برد (۳۹) و به اصحابش زیاد سفارش می‌کرد که به یاد مرگ باشند که مرگ در هم کوبنده لذتها و فاصله اندازنده بین شما و شهوات است. (۴۰)

پیامبر در تشییع جنازه که انسان را به یاد مرگ و آخرت می‌اندازد، حضور می‌یافت (۴۱) و گاه در کنار قبر چنان می‌گریست که لباسش تر می‌شد و به حاضران می‌فرمود: برادران من! برای چنین روزی خودتان را آماده کنید! (۴۲)

وقتی که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم سخنرانی می‌کرد و نامی از قیامت می‌برد، صدایش بلند و گونه‌هایش سرخ می‌شد؛ گویا از هجوم یک لشکر بیم می‌دهد و می‌فرمود: قیامت، صبح و شام با شماست! سپس می‌فرمود: «من و قیامت مثل این دو «انگشت سبابه» هستیم». (۴۳)

۸. طهارت و وضوی دایم

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم پاک و پاکیزه می‌زیست و دستور می‌داد که از ترشح بول و همه نجاسات پرهیز شود. (۴۴) پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نه تنها خود همواره با طهارت بود و حتی برای خوردن غذا یا خواب وضو می‌گرفت، بلکه به دیگران نیز آن را سفارش می‌فرمود. (۴۵) سلمان فارسی از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت نموده که ایشان فرمودند: «کسی که با طهارت و وضو بخوابد، همانند کسی است که شب را تا به صبح در حال عبادت، شب زنده‌داری کرده باشد». (۴۶) شخصی به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از کمی رزق شکایت کرد. حضرت فرمود: «همیشه با طهارت باش که روزی تو افزون می‌گردد. آن شخص همین کار را کرد و رزقش زیاد گردید». (۴۷)

۹. اقامه نماز

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آن قدر نماز می‌گزارد که پاهای مبارکش متورم می‌گردید و می‌فرمود: آیا بنده شکرگزار خدا نباشم؟ (۴۸) آن حضرت دو برابر نمازهای واجب، نماز مستحبی اقامه می‌کرد. (۴۹) ایشان به اقامه نماز شب و نماز جمعه اهتمام داشت. آداب اقامه نماز آن حضرت چنین بود:

الف. مسواک: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم برای هر نماز یک بار مسواک می‌زد. (۵۰) می‌فرمود: «دو رکعت نماز با مسواک از ۷۰ رکعت نماز بدون مسواک بهتر است». (۵۱)

ب. طهارت، آراستگی و استفاده از عطر و مشک: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به تزیین خویش به ویژه هنگام حضور در مسجد توجه داشت؛ خود را با روغن، تزیین می نمود، (۵۲) محاسن خود را رنگ می کرد، (۵۳) لباس سفید می پوشید و از رنگ تیره مگر در سه چیز (کفش، عمامه و کساء) کراهت داشت. (۵۴) خویش را با مشک و عطر خوشبو می ساخت. (۵۵)

ج. اقامه نماز در ابتدای وقت فضیلت: حضور منظم و برگزاری نماز در اول وقت، سنت و نشانه رعایت ادب نماز است. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرمود: «بهترین عمل نزد خدا، اقامه نماز در اول وقت است». (۵۶) د. اقامه نماز در مسجد و توجه و دعا هنگام ورود به آن: سیره مبارک پیامبر آن بود که همواره نماز را در مسجد اقامه می کرد و همگان به ویژه همسایگان را برای حضور در مسجد ترغیب می نمود و با صراحت اعلام می فرمود: برای کسی که بدون عذر در مسجد با مسلمانان نماز نمی خواند، نمازی نیست. (۵۷) این تأکید در حضور یافتن در نماز جماعت صبح و عشا بیشتر بود (۵۸) و به گونه ای بود که امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر تصمیم گرفت خانه های کسانی را که در منزل نماز می خوانند و به نماز جماعت حاضر نمی شوند، با هیزم آتش بزند. مردی نابینا آمد و عرض کرد: من نابینایم و چه بسا صدای اذان را می شنوم ولی کسی نیست که مرا به مسجد راهنمایی کند تا با شما نماز بخوانم. پیامبر فرمود: بین مسجد و خانه ات یک ریسمان بکش و دست خود را به آن بگیر و به نماز جماعت حاضر شو. (۵۹) آن حضرت به اصحاب می فرمود: «به همسرانتان نیز اجازه بدهید تا به مسجد بروند». (۶۰) هر گاه داخل مسجد می شد می فرمود:

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ»؛ (۶۱) «خدایا درهای رحمت خود را بر من بگشا».

ه. اذان و اقامه: پیامبر زودتر به مسجد می آمد و به محض دخول وقت، به بلال می گفت: ما را راحت نما. (۶۲) امام علی علیه السلام می فرماید: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم وقتی که وارد مسجد می شد، می نشست تا بلال اذان بگوید. (۶۳) برای پیامبر اذان می گفتند، ولی اقامه را خودش می گفت. (۶۴)

و. منظم ساختن صفوف نماز جماعت: ابن مسعود می گوید: «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در نماز با دست خود، شانه هایمان را می گرفت و می فرمود: صفوف خود را منظم کنید و پیش و پس نایستید که دل هایمان اختلاف پیدا می کند». (۶۵) نیز می فرمود: «وقتی برای اقامه نماز جماعت برمی خیزید، صف هایمان را منظم نمایید و جاهای خالی را پُر کنید». (۶۶)

ز. دعای استفتاح و استعاذه قبل از آغاز حمد: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در آغاز نماز پس از تکبیرة الاحرام و قبل از قرائت سوره حمد می فرمود:

«وَجَهَّتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (۶۷) سپس قبل از قرائت سوره حمد استعاذه نموده، می فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (۶۸)

ح. گفتن بسمله با صدای بلند: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند ادا نموده در توضیح علت آن فرمود: «جبرئیل وقتی نماز را به من تعلیم می نمود «بسم الله الرحمن الرحيم» را قرائت کرد و آن را با صدای بلند ادا نمود». (۶۹)

ط. قرائت سوره های مختلف در نماز: پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در نمازهای گوناگون پس از حمد، سوره های مختلفی را قرائت می فرمود؛ صبح سوره های نبأ و غاشیه و قیامت و امثال این سوره ها، در نماز ظهر سوره های شمس و غاشیه و مانند این سوره ها، در نماز مغرب توحید و نصر و زلزال و در نماز عشا مانند ظهر و عصر و مغرب عمل می کرد. (۷۰)

پیامبر در نماز جمعه سوره های جمعه و اعلی یا منافقون (۷۱) و در نماز صبح روز جمعه الم تنزیل و تبارک را می خواند. (۷۲) پیامبر سوره حمد و سوره های فوق را با صدایی بلند، زیبا (۷۳) و آیه، آیه می خواند. (۷۴)

ی. قنوت در نماز: قنوت، سنت پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم بود. زراره می گوید: به حضرت امام باقر علیه السلام عرض کردم: شخصی قنوت نماز را فراموش کرده و در میان راه یادش آمد. حضرت فرمود: به سمت قبله رو کند و آن را بخواند. سپس فرمود: «من دوست ندارم کسی از سنت پیامبر رو بگرداند یا آن را ترک کند». (۷۵)

ک. سه تکبیر بعد از هر نماز: مفضل بن عمر می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: چرا نمازگزار پس از نماز سه بار تکبیر می گوید و دست های خود را بالا می آورد؟ حضرت فرمود: «چون پیامبر وقتی که مکه فتح شد، نماز ظهر را با اصحاب خود نزد حجرالاسود خواند و وقتی سلام داد، دست هایش را بالا برد و سه مرتبه تکبیر گفت و چنین فرمود»:

«لا اله الا الله وحده وحده وَاَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَبْدَهُ وَأَعَزَّ جُنْدَهُ وَغَلَبَ وَحَدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». سپس رو به اصحاب کرد و فرمود: «این تکبیر را پس از هر نماز واجب فرو نگذارید و هر کس که پس از نماز چنین کند و این ذکر را بگوید، مثل آن است که وظیفه خود را در رابطه با شکر الهی در مورد تقویت اسلام و لشکرش به جا آورده است». (۷۶)

ل. خواندن تعقیبات بعد از نماز: انس بن مالک می گوید؛ پیامبر پس از نماز دعا می خواند و می گفت: خدایا من از علمی که سودمند و قلبی که خاشع نیست و نفسی که سیر و دعایی که مستجاب نمی شود، به تو پناه می برم. خداوند! از این چهار امر به تو پناه می برم (۷۷).

م. آرامش هنگام نماز: پیامبر فرمود: بدترین دزدی آن است که انسان از نماز خود بدزدد. علی علیه السلام عرض کرد: چگونه از نماز می‌توان دزدید؟ فرمود: کسی که رکوع و سجود نمازش را کامل به جا نمی‌آورد، دزد نماز است و نزد خدا نابود می‌باشد. (۷۸) و فرمود:

«مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ سَكُونُ الْأَطْرَافِ»؛ «یکی از نشانه‌های کامل بودن نماز، آرامش اعضا و جوارح است». (۷۹)
ن. پرهیز از طولانی شدن نماز: سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در اقامه نماز جماعت آن بود که در عین آرامش، کمال و صحّت، حال ضعیف‌ترین مأمومین را رعایت می‌کرد. آنس در این باره می‌گوید: «ما صَلَّيْتُ وَرَاءَ إِمَامٍ قَطُّ أَخَفَّ صَلَاتًا وَلَا أْتَمَّ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»؛ «هیچ گاه پشت سر هیچ امامی نماز نگذارم که نمازش از پیامبر کوتاه‌تر و کاملتر باشد». (۸۰) پیامبر وقتی که در نماز صدای طفلی را می‌شنید، نماز را کوتاه می‌خواند تا مادر به سوی بچه‌اش برود. (۸۱)

س. حضور قلب: «برگزاری نماز برای احیای ذکر و یاد خدا در قلب آدمی است». (۸۲) امام علی علیه السلام می‌فرماید: روزی پیامبر مردی را دید که در نماز با ریش خود بازی می‌کرد، فرمود:

«أِنَّهُ لَوْ خَشَعَ قَلْبُهُ لَخَشَعَتْ جَوَارِحُهُ» «اگر قلبش خاشع می‌بود، اعضا و جوارح او نیز خشوع می‌داشت». (۸۳)
به چپ و راست نگرستن و به غیر خدا التفات و توجه نمودن در نماز نیز ناپسند است. پیامبر می‌فرماید: «لَا تَلْتَفِتُوا فِي صَلَاتِكُمْ فَإِنَّهُ لَصَلَاةٌ لِمُلْتَفِتٍ»؛ «مبادا در نماز به راست و چپ یا به اشیا یا افراد دیگر التفات کنید؛ زیرا نماز کسی که به غیر خدا التفات می‌کند، نماز نیست». (۸۴) در روایات دیگر نیز پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می‌فرماید:

«مَنْ عَرَفَ مَنْ عَلَى يَمِينِهِ وَشِمَالِهِ مُتَعَمِّدًا فِي الصَّلَاةِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ»؛ «هر کس در نماز، شخصی را که سمت راست یا چپ اوست از روی عمد بنگرد و بشناسد پس نمازش کامل نیست». (۸۵)

ع. اقامه نماز به صورت وداع گونه: اقامه نماز به گونه‌ای که گویا آخرین نماز است، از سنت‌های پیامبر است. مردی از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم درخواست نمود، ای پیامبر خدا! به من نکته‌ای بیاموز ولی مختصر بگوی. فرمود: «هر گاه برای نماز برخاستی، به صورتی نماز بگزار که گویا با نماز وداع می‌کنی». (۸۶) روزی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم داخل مسجد شد، انس بن مالک را دید که نماز می‌خواند و به اطراف نگاه می‌کرد، فرمود: «ای انس، نماز را مانند کسی بخوان که قصد خداحافظی دارد و دیگر نماز نخواهد خواند. نگاهت را به موضع سجده‌ات ببانداز به گونه‌ای که افراد راست و چپ را نبینی و شناسی و بدان که تو در پیشگاه کسی هستی که تو را می‌بیند و تو او را نمی‌بینی». (۸۷)

ف. بینی را به خاک گذاشتن: این کار علامت خضوع و مستحب است. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم روزی مردی را دید که فقط به پیشانی سجده می نمود به او فرمود: «ضَعْ أَنْفَكَ يَسْجُدُ مَعَكَ»؛ «بگذار بینی تو هم با تو سجده کند». (۸۸)

ض. پرهیز از خمیازه و چرت: خمیازه کشیدن علامت سستی و خواب آلودگی نشانه عدم حضور قلب است؛ بنابراین باید در نماز از آن پرهیز نمود. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «إِيَّاكُمْ وَشِدَّةَ التَّأْوُبِ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّهَا عَوَّةُ الشَّيْطَانِ»؛ «از دهان دره نمودن در نماز پرهیزید که کار شیطان است». (۸۹) وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مفهوم آیه شریفه «وَلَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»؛ «به نماز نزدیک نشوید در حالی که مست هستید» (۹۰)، چیست؟ فرمودند: مراد مستی و بی حالی ناشی از خواب است. (۹۱)

ق. چشم را بستن: ادب حضور در پیشگاه خداوند، اقتضا می کند آدمی با چشم باز ولی با خشوع تام، در محضر ربوبی حاضر شود. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «آن گاه که یکی از شما برای نماز برمی خیزد، چشمش را نبندد». (۹۲)

ر. بعد از نماز رو به مردم نمودن: پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وقتی نماز را تمام می کرد، صورتش را به سوی مردم برمی گرداند و رو به روی مردم می نشست. (۹۳)

۱۰. شب زنده داری و اقامه نماز شب

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به اقامه نماز شب اهمیت بسیار می دادند؛ زیرا خداوند به او چنین فرمان داده بود:

«وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا»؛ «و پاسی از شب را بیدار و متهجد باش و نافله شب را بر پا دار؛ باشد که خداوند تو را به مقام محمود (شفاعت) مبعوث گرداند». (۹۴) این دستور الهی، در سوره مزمل با تفصیل بیشتری مورد تأکید قرار گرفته است. امام باقر و امام صادق علیهما السلام در مورد کیفیت نماز شب آن حضرت می فرمایند: «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در شب، سه مرتبه از خواب برمی خاست ابتدا به افقهای آسمان نگاه می کرد و پنج آیه آخر سوره آل عمران را تلاوت می فرمود و سپس نماز شب را اقامه می فرمود». (۹۵) آن حضرت اصحاب را نیز برای انجام نماز شب تشویق می کردند؛ آنس بن مالک می گوید: از پیامبر شنیدم که می فرمود: «دو رکعت نماز در دل شب، نزد من از دنیا و آنچه در آن است محبوب تر است». (۹۶)

۱۱. اهتمام به نماز جمعه

حضرت امام صادق علیه السلام از پدرانش نقل می‌فرماید: بیابان گردی به نام قلیب نزد پیامبر آمد و عرض کرد: من برای حج آماده شدم، ولی قادر به انجام حج نشدم. حضرت فرمود: «به نماز جمعه برو که حج فقیران است». (۹۷)

۱۲. روزه و عبادت ماه رمضان

یکی از عوامل مهم خودسازی، روزه گرفتن است. روزه، هیجانات شهوانی را کنترل و زمینه رشد و تعالی معنوی را در انسان افزایش می‌دهد. به همین جهت در تمام ادیان الهی روزه تشریح شده است. (۹۸) در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم چنین می‌خوانیم: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَصُومُ الْأَثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ» «پیامبر همواره روزه‌های دوشنبه و پنج‌شنبه را روزه می‌گرفت». (۹۹)

پیامبر دو ماه شعبان و رمضان را روزه می‌گرفت و آن دو را به هم متصل می‌ساخت، ولی دیگران را از این کار نهی می‌کرد و می‌فرمود: «اینها دو ماه خدایند و کفاره گناهان قبل و بعد خود هستند». (۱۰۰) البته باید توجه داشت که حقیقت روزه با پرهیز از گناهان حاصل می‌شود؛ پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در خطبه‌ای فرمود: «کسی که روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و برای رضا و تقرب به خدا سکوت کند و گوش و چشم و زبان و دامن و اعضای خود را از دروغ و غیبت و گناه حفظ کند، زانوانش، زانوی حضرت ابراهیم علیه السلام را لمس کند». (۱۰۱)

روزی از روزها پیامبر شنید که زنی به کنیز خود فحش و ناسزا می‌دهد در حالی که روزه بود! پیامبر آن زن را احضار کرد و برایش غذا آورد و فرمود: بخور! زن گفت: من روزه‌ام! فرمود: تو چگونه روزه‌ای در حالی که به کنیزت ناسزا گفتی؟ روزه فقط نخوردن و نیاشامیدن نیست. (۱۰۲)

زمانی که ماه رمضان فرا می‌رسید، نخست پیامبر دعا می‌کرد، (۱۰۳) آن‌گاه اسیران را آزاد کرده و به هر فقیر و سائلی چیزی می‌بخشید. (۱۰۴) در طول ماه رمضان بر نماز خود می‌افزود (۱۰۵) و هنگام افطار دعا نموده، می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ لَكَ صُومْنَا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا...» «خدایا برای تو روزه گرفتیم و با رزق تو افطار کردیم، پس از ما بپذیر». تشنگی تمام شد و عروق و رگ‌ها تر شدند و اجر و پاداش باقی ماند. (۱۰۶) به احیای شب قدرش فوق العاده اهتمام داشت و در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان آب به صورت خانواده‌اش می‌پاشید تا بیدار بمانند (۱۰۷) و در مورد خوابیدن یا غفلت در شب قدر هشدار می‌داد (۱۰۸) و در پایان ماه با آن وداع می‌نمود. (۱۰۹)

۱۳. اعتکاف

اعتکاف که به معنای اقامت در مسجد و فاصله گرفتن از تمام اشتغالات دنیوی و فارغ ساختن خویشتن برای عبادت است، در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم جایگاه مهمی دارد که باید پیروی از آن احیا شود: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ إِعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ؛» پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم دهه آخر ماه رمضان را در مسجد اعتکاف می‌کرد. (۱۱۰) حضرت امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی دهه آخر ماه مبارک رمضان فرا می‌رسید، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم کمر همت را برای عبادت می‌بست و از زنان کناره‌گیری می‌کرد و شب را برای عبادت و احیا قرار می‌داد.» (۱۱۱)

۱۴. انفاق

یکی از عبادات مهمی که نقش بسیار زیادی در تعالی و رشد اخلاقی و توجه دادن آدمیان به آخرت دارد، انفاق و اطعام است. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گوسفندی را در خانه عایشه ذبح کردند. فقرای مدینه آگاه و مطلع شدند، خدمت ایشان رسیدند و خواستند که سهمی، از آن برای ایشان قرار دهند؟ پیامبر هم به هر کدام قسمتی از قربانی می‌دادند، شب هنگام پیامبر از عایشه پرسیدند: چه مقدار از گوسفند باقی مانده است؟ عایشه گفت: فقط گردن گوسفند باقی است! فرمود: بگو همه‌اش باقی است، مگر گردنش. (۱۱۲) پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم همواره به دیگران نیز می‌فرمود: «یکی از سبب‌های بخشش الهی، اطعام دیگران است.» (۱۱۳) امید است خداوند ما را به پیروی از سیره مبارک آن حضرت موفق گرداند.

پی‌نوشت :

- ۱) نهج البلاغه، خطبه ۱.
- ۲) لقمان، ۲۵؛ زمر، ۳۸؛ عنکبوت، ۶۱.
- ۳) زمر، ۳.
- ۴) جعفر سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم، ص ۱۷.
- ۵) همان، ص ۲۳ - ۲۱.
- ۶) انفال، ۳۵.
- ۷) احزاب، ۲۱.
- ۸) مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۱.
- ۹) شهید مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۳۵.
- ۱۰) بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۲۷۹.
- ۱۱) عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۷۳.

- (١٢) حجر، ٩٩.
- (١٣) مجموعه ورام، ج ٦، ص ٦٤.
- (١٤) نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ٤٨٠.
- (١٥) ابن شاذان القمي، الايضاح، ص ٢١٤.
- (١٦) اصول كافي، ج ٦، ص ٢٧١، ح ٢، باب الاكل متكثراً.
- (١٧) نوادر راوندي، ص ٣٩.
- (١٨) آل عمران، ٧٩.
- (١٩) بحار الانوار، ج ١٦، ص ٤١.
- (٢٠) همان، ج ٨٤، ص ١٠، ح ١٩.
- (٢١) نهج الحق، ص ٤٣١.
- (٢٢) امالي صدوق، ص ٤٩٩.
- (٢٣) بحار الانوار، ج ١٦، ص ٢٨٣، ح ١٣٢؛ اصول كافي، ج ٢، ص ٤٥٠، ح ١.
- (٢٤) اصول كافي، ج ٢، ص ٤٥٠، ح ٢.
- (٢٥) بحار الانوار، ج ٢١، ص ١٠٠، باب ٢٦، فتح مكّه.
- (٢٦) همان، ج ٩٠، ص ٢٨١، ح ٢٢.
- (٢٧) اصول كافي، ج ٢، ص ٥٣٦.
- (٢٨) عوالي اللئالي، ج ١، ص ١٤٥.
- (٢٩) تفسير قمي، ج ٢، ص ٢٨١.
- (٣٠) من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٩٨.
- (٣١) مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٤٤٤.
- (٣٢) وسائل الشيعه، ج ٢٤، ص ٣٥٥.
- (٣٣) بحار الانوار، ج ٩٠، ص ٣٢٢.
- (٣٤) امالي شيخ طوسي، ص ٥٨٥.
- (٣٥) شرح نهج البلاغه، ج ٦، ص ١٩٧.
- (٣٦) اصول كافي، ج ٢، ص ٤٨٥.
- (٣٧) بحار الانوار، ج ٩، ص ٢٤٥.
- (٣٨) فقيه، ج ١، ص ٥٤٧.

- ٣٩) دعوات، ص ٢٥٣.
- ٤٠) وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٤٣٧.
- ٤١) مستدرک الوسائل، ج ٨، ص ٢٦٨.
- ٤٢) روضة الواعظين، ج ٢، ص ٤٩٤.
- ٤٣) المحجة البيضاء، ج ٨، ص ٢٥١؛ بحار الانوار، ج ١٦، ص ٢٥٦.
- ٤٤) مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٢٦٩.
- ٤٥) وسائل الشيعة، ج ٢٤، ص ٣٣٧.
- ٤٦) همان، ج ١، ص ٣٠٠.
- ٤٧) مستدرک الوسائل، ج ١، ص ٣٠٠.
- ٤٨) بحار الانوار، ج ٧٠، ص ٦٩.
- ٤٩) اصول کافی، ج ٣، ص ٤٤٣.
- ٥٠) وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٢٠.
- ٥١) السنن الكبرى، ج ١، ص ٦٢.
- ٥٢) بحار الانوار، ج ٧٦، ص ٩١.
- ٥٣) همان، ص ١٠٣.
- ٥٤) همان، ج ١٦، ص ٤٤٩.
- ٥٥) همان، ص ٢٤٨.
- ٥٦) عوالي اللئالی، ج ٢، ص ٢١٣.
- ٥٧) وسایل الشيعة، ج ٨، ص ٢٩٣.
- ٥٨) تهذيب الاحكام، ج ٣، ص ٢٥.
- ٥٩) همان، ص ٢٦٦.
- ٦٠) مستدرک الوسائل، ج ٣، ص ٤٤٦.
- ٦١) بحار الانوار، ج ٨٤، ص ٢٦.
- ٦٢) مفتاح الفلاح، ص ١٨٢.
- ٦٣) تهذيب الانوار، ج ٢، ص ٢٨١.
- ٦٤) عوالي اللئالی، ج ١، ص ٣٣٠.
- ٦٥) مجموعه ورام، ج ٢، ص ٢٦٦.

- ٦٦) وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٤٢٣.
- ٦٧) صحيح مسلم، ج ١، ص ٥٣٤.
- ٦٨) بحار الانوار، ج ٨٢، ص ٥؛ وسائل الشيعة، ج ٦، ص ١٣٥.
- ٦٩) كنز العمال، ج ٧، ص ٤٤١.
- ٧٠) تهذيب الاحكام، ج ٢، ص ٩٥.
- ٧١) بحار الانوار، ج ٨٩، ص ٣١١.
- ٧٢) همان، ص ٣٦٥.
- ٧٣) همان، ص ٣٢٦.
- ٧٤) وسائل الشيعة، ج ٦، ص ٢٠٨.
- ٧٥) اصول كافي، ج ٣، ص ٣٤٠.
- ٧٦) مستدرک الوسائل، ج ٥، ص ٥١.
- ٧٧) مصباح كفعمي، ص ٣٣، فصل ٨، در تعقيب نماز عصر؛ بحار الانوار، ج ٢، ص ٦٣.
- ٧٨) جامع الأخبار، ص ٧٤.
- ٧٩) جامع الصغير، ج ٢، ص ٥٤٣.
- ٨٠) صحيح بخارى، ج ١، ص ١٧٣.
- ٨١) بحار الانوار، ج ٨٥، ص ٤١.
- ٨٢) طه، ١٤.
- ٨٣) ارشاد القلوب، ص ١١٥.
- ٨٤) مجمع الزوائد، ج ٢، ص ٢٣٣؛ بحار الانوار، ج ١٨، ص ٢١١.
- ٨٥) عوالي اللئالي، ج ١، ص ٣٢٦.
- ٨٦) سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١٣١.
- ٨٧) دعائم الاسلام، ج ١، ص ١٥٧.
- ٨٨) السنن الكبرى، ج ٢، ص ١٥٠.
- ٨٩) دعائم الاسلام، ج ١، ص ١٧٤.
- ٩٠) توبه، ٥٤.
- ٩١) اصول كافي، ج ٣، ص ٣٧١، ح ١٥، باب بناء المساجد.

- (۹۲) تهذيب الاحكام، ج ۲، ص ۳۱۴، ح ۱۳۶، امام صادق عليه السلام فرمود: از اميرالمؤمنين عليه السلام كه پیامبر اکرم صلی الله عليه وآله وسلم نهی فرمود...
- (۹۳) صحيح بخاری، ج ۱، ص ۲۰۵.
- (۹۴) اسراء، ۷۹.
- (۹۵) بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۳۲۹.
- (۹۶) وسایل الشیعه، ج ۸، ص ۱۵۶.
- (۹۷) تهذيب الاحكام، ج ۳، ص ۲۳۶.
- (۹۸) بقره، ۱۸۳.
- (۹۹) مصباح کفعمی، ص ۵۱۵.
- (۱۰۰) اصول کافی، ج ۴، ص ۹۲.
- (۱۰۱) وسایل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۶۴.
- (۱۰۲) اصول کافی، ج ۴، ص ۸۷.
- (۱۰۳) همان، ص ۷۰.
- (۱۰۴) امالی صدوق، مجلس چهاردهم، ص ۵۸.
- (۱۰۵) تهذيب الاحكام، ج ۳، ص ۶۰.
- (۱۰۶) همان، ج ۴، ص ۱۹۹.
- (۱۰۷) مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۷۳، نیز فضائل الاشهر الثلاثة، ص ۱۳۷.
- (۱۰۸) همان، ج ۷، ص ۴۶۹.
- (۱۰۹) اقبال الاعمال، ص ۲۴۳.
- (۱۱۰) بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۷۳، ح ۲۰۲.
- (۱۱۱) همان، ص ۱۵۵.
- (۱۱۲) مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۶۶، ح ۱۴، باب ۴۹.
- (۱۱۳) اصول کافی، ج ۴، ص ۵۲.